

حمایت از حریم خصوصی اشخاص از منظر آیات و روایات

سجاد شهباز قهفرخی*؛ مربی، گروه الهیات، دانشگاه شهرکرد
مصطفی مسعودیان: دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران

دوفصلنامه تخصصی پژوهشهای میان رشته‌ای قرآن کریم
سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۰۰ - ۸۷
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۳/۷

چکیده

حق بر حریم خصوصی، یکی از محترم‌ترین حقوق اشخاص در تمامی جوامع است که تعالیم اسلامی نیز بر آن تأکید دارد. حریم خصوصی، محدوده‌ای از اعمال و ویژگی‌های هر شخص است که برای عموم آشکار نبوده و یا وی تمایل به افشای آن ندارد. اشخاص هیچ‌گونه ورود و نظارت دیگران بر این فضا را برنمی‌تابند و نسبت به ورود غیر، واکنش نشان می‌دهند. وجود تعالیمی در اسلام همچون لزوم رعایت کرامت ذاتی اشخاص، لزوم کتمان سر، حرمت و احترام عرض و آبروی اشخاص از یک سو، و تصریح آیات و روایات متعدد بر حرمت تجسس در زندگی خصوصی اشخاص از سوی دیگر، بیانگر ارزش حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی اسلام است. در این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده، ضمن تبیین مفهوم حریم خصوصی، جایگاه این حق در آیات و روایات مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کلید واژه‌ها: حریم خصوصی، حقوق اسلامی، تجسس، افشاء سر.

۱- مقدمه

با زایش تفکر سیاسی مدرن در قرون هجدهم و نوزدهم و ظهور جریان‌های لیبرال و فردگرا، حقوق و آزادی‌های فردی به عنوان بخش عمده‌ای از مطالبات شهروندان مطرح گردید به طوری که عدم دخالت در زندگی خصوصی شهروندان از سوی دولت‌ها مهمترین مشخصه یک دولت لیبرال را به خود اختصاص داد. تا قبل از سال ۱۸۹۰م. مفاهیمی همچون افتراء، افشاء اسرار شغلی و مصونیت مسکن و در مفهومی عام‌تر، حق مالکیت، تا حدود زیادی مراد از حریم خصوصی را پوشش می‌داد. اما نخستین بار در سال ۱۸۹۰ میلادی، حریم خصوصی به عنوان یک مفهوم حقوقی در مجله حقوقی هاروارد در مقاله‌ای با عنوان «حق تمتع از خلوت» توسط دو آمریکایی به نام‌های «ساموئل وارن» و «لوئیس براندیس» مطرح شد (۱۸۹۰:۱). این حق در قوانین اساسی یا عادی برخی از کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته و در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸م) نیز به رسمیت شناخته شده است.

در حقوق کیفری اسلام، حریم خصوصی جسمانی با حمایت‌های کیفری سنگینی مانند قصاص مورد حمایت قرار گرفته است. همین‌طور، با تعیین مجازات‌های حدی برای تعرض به عفت (زنا- لواط- مساحقه- تفخیز)، تعرض به آبرو و حیثیت (قذف و تعزیر جهت هرگونه هتاکی) و تعرض به حریم اموال (سرقت) از مصادیق این حق حمایت نموده است.

حریم خصوصی، قلمروای از اعمال، رفتارها و مختصات هر شخص است که برای عموم آشکار نبوده و در وهله نخست به فرد معینی اختصاص دارد و وی نیز تمایل به افشاء آن ندارد. حمایت از این حریم در آیات و روایات متعددی مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو مهمترین سوالات این پژوهش عبارتند از: مفهوم و گستره‌ی حریم خصوصی از دیدگاه قرآن و روایات چیست؟ و ادله و مبانی قرآنی و روایی در حمایت از حریم خصوصی کدامند؟

حق بر حریم خصوصی با عنوان مستقل در قوانین مصوب ایران راه نیافته است؛ بلکه برخی مصادیق این حق در قوانین مختلف بصورت پراکنده مورد حمایت قرار گرفته است. از آنجایی که طبق اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی تدوین و نوشته شوند، لازم است عناوین نوظهور حقوقی به صورت کامل، ریشه شناسی فقهی شده و سپس به صورت قانون مدون ارائه گردد. با توجه به در دستور کار بودن «طرح حمایت از حریم خصوصی» در مجلس شورای اسلامی و وضعیت مبهم و ناشناخته‌ی حق حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران، لازم است این موضوع بطور دقیق در آیات و روایات مورد بررسی قرار گیرد.

شناسایی مفهوم، گستره، مبانی و ادله احترام به حریم خصوصی در آیات قرآن و روایات، به منظور بهره‌گیری از این تعلیمات در وضع قوانین کارآمد در جهت حمایت از حریم خصوصی اشخاص، از جمله اهداف اصلی این پژوهش به شمار می‌رود.

گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مراجعه مستقیم به منابع انجام شده است و داده‌های حاصله با شیوه‌ی توصیفی- تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در این پژوهش، پس از تبیین مفهوم حریم خصوصی و معیار شناسایی مصادیق این حق، مبانی قرآنی و روایی حمایت از این حق بیان شده است؛ و در پایان، نتیجه‌ی بحث ارائه می‌گردد.

۲- مفهوم حریم خصوصی

«حریم» در لغت عرب از ریشه «ح-ر-م» است و به معنای منع و تشدید آمده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۸۴) همچنین، به معنای چیزی که مس آن حرام باشد و نباید به آن نزدیک شد نیز آمده است. (فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۱۱۲)

منظور از حریم در این پژوهش، حریم انسان است؛ نه حریم مال. بنابراین می‌توان حریم را محدوده‌ی ممنوعه‌ای دانست که ورود به آن، واکنش شخص را بدنبال دارد.

«خصوصی» در زبان عرب از واژه‌ی «الخاصه» به معنای «ویژه» و «اختصاصی» آمده است. (طریحی، ۱۴۱۶: ۴۲۱) با روشن شدن مفهوم دو واژه‌ی حریم و خصوصی، ارائه‌ی تعریف از «حریم خصوصی» آسان می‌شود.

اولین تعریفی که برای حریم خصوصی ذکر شده است، تعریف دو تن از قضات دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا به نام‌های «ساموئل وارن» و «لوئیس براندیس» است که حریم خصوصی را به «حق افراد برای تنها بودن» تعریف کرده‌اند. (۱۸۹۰: ۲) ایشان از حق خلوت به عنوان یک اصل نام می‌برند که نوشته‌ها، آثار معنوی، افکار و احساسات شخص را محافظت کرده و حق داشتن یک چارچوب بدون دخالت را به افراد اعطا می‌کند تا اظهارات، گفته‌ها و اعمال آن‌ها در این چارچوب مشخص، مصون از تعرض باقی مانده و مورد حمایت قانون واقع شود.

برخی حقوقدانان با شناسایی عناصر محرمانه بودن، ناشناس بودن و تنهایی به عنوان ارکان حریم خصوصی، معتقدند: «حریم خصوصی قلمروی از زندگی یک فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند.» ایشان ضمن تأکید بر نسبیّت مفهوم حریم خصوصی در تعریف خود معیار نوعی را به عنوان ضابطه تشخیص مصادیق حریم خصوصی معرفی می‌نماید. (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۶) در این تعریف واژه قلمرو، ممکن است ویژگی‌ها و مختصات فردی رفتاری یا روحی اشخاص را شامل نشود. به عبارت دیگر، تعریف ایشان اگرچه مختصر است؛ لکن، جامع تمامی افراد و مصادیق نیست.

از نظر نگارنده حریم خصوصی عبارت است از قلمرو و محدوده‌ای از اعمال، رفتارها، ویژگی‌ها و مختصات هر شخص که برای عموم آشکار نبوده و در وهله نخست به فرد معینی اختصاص دارد و وی نیز تمایل به افشاء آن ندارد. اشخاص هیچگونه ورود و نظارت دیگران بر این فضا را بر نمی‌تابند و نسبت به ورود غیر واکنش نشان می‌دهند.

با روشن شدن مفهوم و ماهیت حریم خصوصی، در ادامه مبانی نظری این حق در تعالیم اسلامی و همچنین آیات و روایات مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳- مبانی حمایت از حریم خصوصی در تعالیم اسلامی

اصل کرامت ذاتی بشر، اصل احترام عرض و آبرو و اصل لزوم کتمان سر از مهمترین مبانی و اصول حمایت از حریم خصوصی در تعالیم اسلامی است که در این قسمت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- اصل کرامت ذاتی بشر

منشأ اعتبار کرامت ذاتی انسان، آیه‌ی ۷۰ سوره مبارکه اسراء می‌باشد. خداوند در این آیه‌ی شریفه می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا: تحقیقاً ما فرزندان بنی آدم را تکریم کردیم و آنان را در خشکی و دریا براه انداختیم و از مواد پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از آنچه آفریدیم برتری دادیم.»

مدلول این آیه صراحتاً کرامت ذاتی بشر را شامل همه افراد انسانی با هر درجه و رتبه‌ی مادی و معنوی می‌داند. رعایت کرامت ذاتی افراد بر همگان لازم و واجب است؛ اگرچه آن شخص پلیدترین قاتل هستی باشد که پاک‌ترین انسان را شهید نموده باشد.

می‌توان کرامت ذاتی را این‌گونه تعریف نمود: کرامت ذاتی به آن نوع شرافت و حیثیتی گفته می‌شود که تمام انسان‌ها به جهت استقلال ذاتی، توانایی بالقوه اخلاقی و وجه و نفخه الهی که دارند، به طور فطری و یکسان از آن برخوردار هستند.

در تعالیم اسلامی، کرامت ذاتی انسان نه بر مبنای یک امر قراردادی و اعتباری و یا عقلایی صرف، بلکه بر اساس یک امر هستی‌شناختی اصیل که ریشه در ذات خلقت بشری دارد، می‌باشد. کرامت انسانی و احترام به مقام والای اشرف مخلوقات، سنت الهی و سیره برگزیدگان و صالحان است. حفاظت از تمامیت روحی و جسمی انسان از آنجایی که خلیفه خداوند در زمین است و جلوه‌ای از وجود لایزال الهی می‌باشد، امری بایسته و واجب محسوب می‌گردد. لذا هرگونه مداخله، تجسس، پی‌جویی اطلاعات، نگاه کردن و افشای اطلاعات شخصی افراد که ایشان تمایلی به افشا آنها ندارند و باعث وهن و تحقیر ایشان شود، منافی این کرامت ذاتی است. اطلاعاتی از قبیل بیماری‌های جنسی، عیوب رفتاری یا گفتاری، مشکلات خانوادگی، پیشینه منفی افراد و گناهان و معاصی گذشته ایشان، اطلاعاتی هستند که ممکن است شخص رضایت به افشای آنها نداشته باشد و در صورت آگاهی‌یافتن و افشای این اطلاعات (ولو نزد یک نفر) حیثیت و شرافت شخص از بین برود و یا اینکه حتی وی از افشاء آنها احساس خجالت، سرافکندگی و انزوا نماید. از این روست که با افشای این اطلاعات کرامت ذاتی بشر از بین می‌رود و برای حفظ این کرامت ذاتی لازم است حریم خصوصی اشخاص مورد حمایت قرار گیرد.

در حقوق مبتنی بر اومانیسیم و لیبرالیسم، حمایت از حریم خصوصی مستند به تئوری قرارداد اجتماعی است و به همین دلیل قدرت عمومی می‌تواند به بهانه ایجاد نظم و امنیت و یا شرایط اضطراری براحتی به نقض حریم خصوصی افراد مبادرت کند؛ اما در حقوق اسلامی که حق بر حریم خصوصی افراد مبتنی بر اصل کرامت ذاتی بشر طرح‌ریزی شده است، نمی‌توان به این حق مسلم اشخاص به بهانه‌های واهی تعرض نمود؛ بلکه اصل اولیه را باید بر رعایت کرامت ذاتی اشخاص بنا نهاد و تنها در موارد اضطراری که منافع کلی جامعه اسلامی در معرض خطر است در حدود ضرورت و با اذن مقام ذی‌صلاح قضایی و با حدود کاملاً مشخص وارد این فضا شد.

۳-۲- اصل حرمت و احترام عرض و آبرو

در تعالیم اسلامی، هرگونه هتک عرض و آبروریزی اشخاص حرام بوده و شدیداً مورد تقبیح قرار گرفته است. احترام و ارزش انسان در حدی است که هرگونه تعرض و مخدوش نمودن آبرو و عرض مسلمان شدیدترین عقوبت‌ها را دارد. وجوب دفاع از آبرو در کتب فقهی در عرض دفاع از نفس آمده است. (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۵۸ و مدنی کاشانی، ۱۴۱۰: ۱۰۹) حفظ آبرو در احادیث شیعه از حفظ هر امر دیگری نیز ارزشمندتر شناخته شده است. روایت علوی «ان افضل الفعال، صیانه العرض بالمال» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵) و همچنین روایت نبوی «المؤمن حرام کله عرضُه و ماله و دمه» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴: ۷۲ و نوری، ۱۴۰۸: ۱۳۶) به روشنی بیانگر این موضوع است.

دستوراتی مانند محروم نکردن سائل (ضحی/۱۰)؛ مهلت دادن به بدهکار (بقره/۲۸۰) در قرآن وجود دارد که بیانگر لزوم حفظ آبروی اشخاص است. در روایات نیز، آبروی مؤمن مقدس‌تر از حرمت کعبه دانسته شده است. (علی بن موسی، ۱۴۰۶: ۳۳۵؛ کوفی اهوازی، ۱۴۰۴: ۴۲ و ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۶۵۴)

بیان عیوب واقعی انسان، علاوه بر اینکه مشمول عنوان «غیبت» است؛ باعث هتک آبرو و شرافت اجتماعی وی نیز می‌باشد. انتساب اموری که در شخص موجود نیست نیز مشمول عنوان «تهمت» است. اسلام پیروان خود را به شدت از این‌گونه امور نهی نموده است و حفظ آبروی اشخاص از جمله حقوق و تکالیف مسلمانان دانسته شده است. (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴: ۶۷) نقض حریم خصوصی اشخاص که ممکن است در اشکال متفاوتی بروز یابد، موجب آبروریزی شخص محسوب می‌شود و به لحاظ تطبیق با عنوان هتک عرض، از نظر شرعی، حرام بوده و جایز نیست.

۳-۳- اصل لزوم کتمان سر

در تعالیم اسلامی بر رعایت رازداری و کتمان سر تأکید بسیاری شده است. در برخی روایات، شخص صاحب سر بر نگه‌داری و عدم افشاء سر خود تشویق شده است؛ مانند روایت حضرت علی (علیه السلام) که می‌فرمایند: «هلك من لم يحضر امره» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۲۱) یعنی کسی که توانایی بر کتمان سر خود نداشته باشد هلاک خواهد شد. گونه دوم از روایات، اشخاص را به حفظ اسرار دیگران که به هر نحوی به آن‌ها آگاه شده‌اند، توصیه می‌نماید. روایاتی از حضرت علی (علیه السلام) مانند «من افشى سرا استودعه فقد خان» (همان: ۳۲۰) کسی که سری را که به او سپرده شده بود را افشا نماید، خیانت کرده است، و «من اقبیح العذر اذاعه السر» (همان: ۳۲۲) قبیح‌ترین نیرنگ کاری، افشای اسرار دیگران است، از این دست محسوب می‌شود. در همین رابطه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خطاب به ابودر می‌فرماید:

«یا اباذر المجالس بالامانة و افشاءک سر اخیک خیانه» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۷) اقتضای اطلاق کلام پیامبر آن است که جایز نیست مکالمات درون مجلس را در صورتی که اهل مجلس راضی به افشا نباشند، افشا گردد؛ و بلکه بالاتر می‌توان گفت اصل بر عدم جواز افشا مکالمات است مگر اینکه رضایت ایشان احراز شده باشد و در فرضی که ایشان عدم افشا را گوشزد نموده باشند، این عدم جواز آکد است. همچنین اخذ میثاق و تعهد بر عدم افشای مذاکرات جلسه، این عدم جواز را تشدید می‌کند. در ضمن مجلس و مجالسه خصوصیتی نداشته و مکالمات تلفنی و مراسلات نیز شامل این روایت می‌شوند.

۴- ادله لزوم رعایت احترام حریم خصوصی

پس از طرح کلی مبانی نظری حرمت و احترام حریم خصوصی در تعالیم اسلامی، در این قسمت، لزوم رعایت احترام حریم خصوصی در ادله خاصه موجود در قرآن و روایات، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱- آیات قرآن

با بررسی آیات قرآن چنین بدست می‌آید که قرآن بر رعایت حریم خصوصی تأکید بسیاری دارد. بر این اساس در این قسمت، مهمترین آیاتی که بر حمایت از حریم خصوصی اشخاص تصریح دارد، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱-۱- «یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم و لاتجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضا...» (حجرات/۱۲)

نخستین مفهومی که این آیه به آن اشاره می‌کند، نهی از سوءظن است. در حقیقت، گمان بد عامل جستجوگری و کشف اسرار و رازهای نهانی مردم است. علامه طباطبایی (ره) در این باره می‌نویسد: «مراد از «اجتناب از ظن» اجتناب از خود ظن نیست، چون ظن، خود نوعی ادراک نفسانی است... نهی کردن از خود ظن صحیح نیست. بلکه، مگر آنکه از پاره‌ای مقدمات اختیاری آن نهی کند.» (۱۴۱۷:۳۲) این مقدمات اختیاری است که مورد نهی قرار گرفته است. این مقدمات مانند: تجسس در کارهای دیگران، گوش دادن به سخنانی که در مورد شخص توسط دیگران بیان می‌شود و غیره، که خود ممکن است عنوان منهی‌عنه مستقلاً باشند.

تجسس در لغت به معنای پی‌گیری و تفحص از امور مردم است. (الخوری، ۱۸۸۹: ۲۳۷) لغت‌شناس دیگری در مورد تجسس این‌گونه نگاشته است: «التجسس بالجیم: التفتیش عن بواطن الامور و اکثر ما یقال فی الشر و الجاسوس صاحب سر الشر.» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۲۳) «تجسس، تفتیش کردن از باطن کارهاست و بیشتر در امور شر استعمال می‌شود و جاسوس کسی است که اسرار ناگفتنی دیگران را در اختیار داشته باشد.»

واژه «تجسس» از نظر معنایی و لفظی به «تجسس» نزدیک است؛ لکن مفهوم آن دو متفاوت است. در تمایز معنایی این دو واژه آمده است: «استمع حدیث القوم و طلب خبرهم فی الخیر و بالجیم بالشیر» (ثعالبی، ۱۳۹۹: ۱۹۰ و الطبرسی، ۱۳۹۹: ۱۳۷) «تجسس کرد یعنی به اخبار مردم گوش داد تا اخبار سری ایشان را به دست آورد در جایی که نیت وی خیر باشد و تجسس گویند هرگاه نیت وی شر باشد.» در واقع، تجسس و تجسس دو واژه هستند که در معنی از یکدیگر جدا نیستند؛ بجز اینکه تجسس نسبت به چیزهایی است که پوشیده شده است، و جاسوس هم از آن گرفته شده است، و تجسس عبارت است از بحث نمودن پیرامون چیزی که آن را می‌شناسی. (گروه نویسندگان، ۱۳۶۰: ۲۱۹)

در آیه شریفه‌ی مذکور از تجسس نهی شده است و نهی نیز دال بر حرمت است. این آیه صراحتاً مسلمانان را از اینکه در احوالات دیگران تجسس نمایند منع نموده است و به مسلمانان اجازه نداده است که به دنبال امور پنهانی دیگران کنجکاو کنند، اعم از اینکه امور مزبور عیب باشند و یا نباشند. فلذا منع تجسس در امور و احوال دیگران با اطلاق و عمومیت خود شامل همه مصادیق حریم خصوصی می‌شود.

بدین تقریر که هرگونه کنکاش، پی جویی، کنجکاوی و دسترسی به اطلاعات افراد، که ایشان آن را پنهان داشته‌اند تجسس منهی عنہ محسوب می‌شود.

غیبت، دیگر مفهومی است که در این آیه مورد نهی واقع شده است و این نهی صریح در حرمت تکلیفی است. در تعریف غیبت آمده است: «اغتابه، اذا ذكره بما يكرهه من العيوب و هو الحق؛ و الاسم الغيبه.» (فیومی، ۱۴۱۴: ۴۵۸) «هنگامی می‌گوییم غیبت او را کرد که شخص عیوب واقعی و موجود دیگری را که وی کراهت از بیان آن‌ها دارد بگوید.»

مطابق تعریف اهل لغت و همچنین با عنایت به حدیث نبوی در تعریف غیبت که قبلاً به آن اشاره شد؛ دایره غیبت منهی عنها در این آیه شریفه، محدود به ذکر امور و عیوب پنهانی و واقعی اشخاص است که شخص از بیان آن‌ها کراهت دارد. از اینرو به دست می‌آید که امور افشاء شده اولاً باید عیب واقعی باشند؛ پس بیان آنچه اساساً عیب نیست و یا آنچه عیب هست، لکن در شخص موجود نیست، غیبت محسوب نمی‌گردد؛ و ثانیاً شخص از بیان و افشاء آن‌ها کراهت داشته باشد. پس باید اذعان داشت که نهی غیبت در این آیه، صرفاً برخی مصادیق حریم خصوصی را شامل می‌شود؛ و اموری مانند حریم خصوصی اطلاعاتی مشتمل بر اطلاعات فردی مانند شماره حساب بانکی، ویژگی‌های ظاهری (اگر عرفاً عیب نباشند) و... که عیب نیستند، به شمول این آیه وارد نشده و تخصصاً خارج‌اند و برای شناسایی حکم شرعی آن باید به دیگر ادله مراجعه نمود. از دقت در این آیه‌ی شریفه به دست می‌آید که گمان‌پد و سوءظن به دیگران به تحریک حس کنجکاوی بشر می‌انجامد و مقدمه‌ای برای تجسس است. قاعدتاً شخصی که از مدت‌ها قبل به دیگری بدگمان شده است و هم‌اکنون با تحقیق و کنجکاوی (تجسس) به اموری پی برده است، در پی افشاء و اعلان مکشوفات خود اقدام به غیبت کردن، می‌کند. شارع مقدس در این آیه با منع افراد از سوءظن و پی‌جویی عیوب، زمینه‌های دخالت در حریم خصوصی را از بین برده است و حمایت‌های پیشینی برای دفاع از حریم خصوصی اشخاص اعمال نموده است.

نکته قابل ذکر دیگری که باید به آن اشاره نمود وجود مفاهیمی همچون ارتداد، جرح شهود و... در آیات و روایات است که ممکن است شائبه جواز نقض حریم خصوصی را داشته باشند؛ لکن باید متوجه بود که در تمامی موارد مذکور شرایط خاصی وجود دارد. به عنوان مثال در مسئله ارتداد تا زمانی که شخص عقیده منحرف خود را صراحتاً نزد دو مرد عادل افشاء نکرده باشد، اساساً مسئله قابل اثبات نیست و طبق عموماًی مانند حرمت تجسس، قاضی حق تفتیش عقیده شخص را ندارد. اما زمانی که شخص، علناً در صورت وجود سائر شرایط عقیده منحرف خود را اعلام نماید؛ شارع برای حمایت از حوزه حریم عمومی جامعه، موظف به مجازات شخص مرتد می‌باشد. در مورد جرح شهود نیز، شهود جرح فقط عدم عدالت شخص را مورد گواهی قرار می‌دهند و نیازی نیست که مستند عدم عدالت و فسق شخص شهودعلیه را بیان نمایند. بدین ترتیب در این‌گونه موارد، تجسسی اتفاق نمی‌افتد.

۴-۱-۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ، فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (نور/۲۷ و ۲۸)

طبق این آیات هیچ‌کس حق ندارد بدون اطلاع و اجازه‌ی قبلی به منزل دیگری وارد شود. در زمان جاهلیت بین اعراب رسم نبوده است که برای ورود اجازه بگیرند. قرآن کریم با نزول این آیات این رسم غلط را منسوخ کرد. این موضوع از شأن نزول آیه نیز قابل استنتاج است. عدی بن ثابت می‌گوید علت نزول آیه چنین بوده که زنی از انصار نزد رسول خدا آمد و گفت: یا رسول الله، اوقات و حالاتی بر من می‌گذرد که نمی‌خواهم پدرم یا فرزندم مرا در آن اوقات و حالات ببینند، در صورتی که اینان هر وقت سرزده بخانه من می‌آیند و من از این حیث در زحمت و کراهت می‌باشم، بنابراین چکاری می‌توانم بکنم؛ سپس این آیه نازل گردید. (محقق، ۱۳۶۱: ۵۶۷ و واحدی، ۱۴۱۱: ۳۳۴) شأن نزول آیه دقیقاً در رابطه با نقض حریم خصوصی شخص است.

«تستأنسوا» از ماده «انس» گرفته شده است. انس به هر چیز و به سوی هر چیزی، یعنی الفت گرفتن به آن؛ و استیناس عملی است که به این منظور انجام شود. (موسوی، ۱۳۷۴: ۱۵۳) در این آیه از واژه‌ی «تستأنسوا» استفاده شده است نه «تستأذنوا»؛ تستأنسوا بیانگر اجازه‌ای توأم با تحیت و لطف و آشنایی و صداقت است و نشان می‌دهد که حتی اجازه گرفتن باید کاملاً مودبانه و دوستانه و خالی از هرگونه خشونت باشد. مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «به هیچ وجه نمی‌توان داخل خانه غیر شد، اعم از اینکه صاحب خانه در خانه باشد یا نباشد، مگر اینکه اجازه داده شده باشد، حتی جایز نیست به داخل خانه نگاه کند تا بداند که کسی در خانه هست یا نیست.» (الطبرسی، ۱۳۹۹: ۱۵۷)

علامه طباطبایی نیز می‌نگارد: «...چه بسا می‌شود که صاحب‌خانه در حالی قرار دارد که نمی‌خواهد کسی او را به آن حال ببیند، و یا از وضعی که دارد باخبر شود. از اینجا معلوم می‌شود که مصلحت این حکم پوشاندن عورات مردم، و حفظ احترام ایمان است، پس وقتی شخص داخل شونده هنگام دخولش به خانه غیر، استیناس کند، و صاحب‌خانه را به استیناس خود آگاه سازد، و بعد داخل شده و سلام کند، در حقیقت او را در پوشاندن آنچه باید بیوشاند کمک کرده، و نسبت به خود ایمنی‌اش داده؛ و معلوم است که استمرار این شیوه پسندیده، مایه استحکام اخوت و الفت و تعاون عمومی بر اظهار جمیل و ستر قبیح است و جمله «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» هم اشاره به همین فواید است.» (۱۴۱۷: ۱۰۹) این آیه صرفاً در خصوص لزوم رعایت حریم خصوصی اماکن، منازل، و محیط‌های خصوصی افراد دلالت دارد و هرگونه ورود به منازل افراد را منوط به کسب اجازه می‌نماید.

لزوم کسب استیناس در این آیه بیانگر شخصی بودن معیار شناسایی مصادیق حریم خصوصی است. آیه مذکور از این نظر که اهل منزل در چه وضعیتی در درون خانه هستند، مطلق بوده و مسلمانان را مکلف به استیناس نموده است. از این اطلاق چنین برداشت می‌شود که واردشونده به منزل باید صرفنظر از اینکه اهل منزل در چه حالتی هستند از ایشان برای ورود اجازه کسب نماید. زیرا چه بسا شخص ساکن در منزل رضایت به مشاهده شدن در آن وضعیت را نداشته باشد و این همان معیار شخصی است.

در پاسخ به این سؤال که مرجع تمییز امور خصوصی از غیر خصوصی را چه چیزی باید دانست، باید گفت که بهترین مرجع برای تمییز امر خصوصی از غیر خصوصی «خود فرد» است. به عبارت دیگر، هر فرد با توجه به شرایط و اوضاع و احوال بسیار متنوع پیرامون خود بهترین کسی است که می‌تواند بخشی از امور زندگی‌اش را تحت عنوان امور خصوصی از دیگر امورش جدا کند. اما در عین حال امور خصوصی در

کنار امور غیر خصوصی معنا پیدا می‌کند. امور غیر خصوصی اموری هستند که افراد از در اختیار سایرین قرار دادن آن‌ها ابایی ندارند. مهمترین عاملی که می‌تواند مرز میان خصوصی و غیر خصوصی را مشخص سازد رضایت فرد است که در کمال صحت اراده و آگاهی از اوضاع پیرامونی اعلام شده باشد.

۳-۱-۴- «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ أَبْصَارِهِمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...» (نور/۳۰ و ۳۱)

این آیه صراحتاً زنان و مردان مومن را به حفظ چشم توصیه می‌نماید. در احکام اسلام، زن و مرد در نگاه کردن به مواضع بدن یکدیگر محدودیت‌هایی دارند و این آیه ایشان را به پاسداشت این محدودیت‌ها رهنمون می‌کند.

این آیات مشتمل بر نهی افراد جامعه از تجاوز به حریم خصوصی جسمانی افراد است و دلالتی در مورد سایر مصادیق حریم خصوصی ندارد.

در حقوق غرب، خیره شدن به بدن و مواضع ظاهری اشخاص تجاوز به حریم خصوصی تلقی می‌شود؛ لکن تعالیم اسلامی، حتی نگاه سطحی را نیز در صورت استمرار توبیخ می‌کند.

در حقیقت از نظر شارع مقدس هرگونه نگاه کردن به مواضعی غیر از کفین و وجه زن، حریم ممنوعه محسوب شده و دارای احترام است. زنان نیز فقط به قسمت‌هایی از بدن مردان که عادتاً آن‌را نمی‌پوشانند، حق نگاه کردن دارند. (خمینی، ۱۴۲۴: ۴۵۸) بنابراین آیات قرآن، دایره‌ای وسیع‌تر از آنچه در غرب برای حریم خصوصی جسمانی مطرح شده را شامل می‌شود.

۴-۱-۴- «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور/۱۹)

این آیه مسلمانان را از اشاعه‌ی فحشا بر حذر می‌دارد. باید توجه داشت که اشاعه‌ی فحشا منحصر به این نیست که شخص تهمت و دروغ بی‌اساس را در مورد زن و یا مرد با ایمانی نشر دهد و آنان را به عمل منافی عفت متهم سازد، بلکه این تعبیر مفهوم وسیعی است که هرگونه نشر فساد و اشاعه زشتی‌ها و قبایح را شامل می‌شود. (مکارم، ۱۳۷۴: ۴۰۳)

اگرچه برخی محققین سعی نموده‌اند که از این آیه حرمت تجسس و تفتیش را استدلال کنند، (احمدی‌میانجی، ۱۳۸۱: ۱۲۳) اما حق آن است که این آیه مربوط به حرمت تجسس نیست؛ بلکه صرفاً در خصوص مرحله‌ی افشاسازی اطلاعات بدست آمده از طریق نقض حریم خصوصی است. بدین بیان که هرگاه شخصی به هر طریقی از گناهان دیگری اطلاع پیدا کرد حق افشاء آن را ندارد.

این آیه با تشریح حرمت افشای اطلاعات بدست آمده از طریق نقض حریم خصوصی، از حریم خصوصی افراد حمایت پسینی نموده است.

۴-۲- روایات

روایات بسیاری در خصوص احترام آبرو و حیثیت مومن، ممنوعیت تجسس و تفتیش، ممنوعیت ورود به منزل غیر بدون اذن، ممنوعیت استراق بصر، ممنوعیت استراق سمع، ممنوعیت غیبت و ممنوعیت اشاعه فحشا و هتک ستر وارد شده است، که همگی دال بر حساسیت شدید شارع بر رعایت حریم خصوصی

اشخاص می باشد. قابل توجه آنکه علاوه بر اینکه گونه‌های نقض حریم خصوصی در فقه امامیه مورد بحث واقع شده است، علمای اخلاق نیز با سخت‌گیری بیشتری به پیروان خود متذکر می‌گردند که به هیچ وجه نزدیک این‌گونه گناهان نشوند. سوءظن اگرچه نقض حریم خصوصی اشخاص نیست؛ لکن همان‌گونه که بیان شد می‌تواند مقدمه‌ای بر نقض حریم خصوصی اشخاص شود و به همین دلیل نیز مورد نهی واقع شده است.

در این قسمت، روایاتی که صراحتاً دال بر حمایت از حریم خصوصی اشخاص است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۲-۱- روایات دال بر حرمت تجسس

در حدیثی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «من مشی فی عیب اخیه و کشف عورته کان اول خطوه خطأها و وضعها فی جهنم و کشف عورته علی رووس خلائق.» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۹۴)

«عورت» در لغت به معنای هر آن چیزی است که افشا آن باعث شرمندگی گردد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۱۷) در این روایت، افراد از کشف عیوب یکدیگر و کشف لغزش‌های گذشته دیگران منع شده‌اند. کنکاش در لغزش‌ها و گناهان و عیوب رفتاری، گفتاری، جسمانی و ... انسان‌ها باعث تخریب شخصیت ایشان می‌شود و نقض حریم خصوصی محسوب می‌گردد.

۴-۲-۲- روایات دال بر ممنوعیت ورود به منزل غیر بدون اذن

حریم منزل در روایات متعددی که از منابع روایی شیعه نقل شده است، دارای احترام زیادی است. اختصاص باب روایات دال بر ممنوعیت ورود به منزل غیر بدون اذن در کتب روایی اصلی شیعه مانند وسایل الشیعه و الکافی شاهد این مدعا است. در ادامه برخی از این روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف: حکم پیامبر (ص) در قضیه سمره بن جندب

حدیث معروف «لا ضرر و لا ضرار فی اسلام» و شأن صدور این بیان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یکی از بارزترین موارد حمایت از حریم خصوصی منازل اشخاص است. سمره بن جندب پس از فروش منزل خویش به یکی از صحابی، گاه و بیگاه به بهانه‌ی سرکشی به درخت نخل خرماي خود که در آن منزل وجود داشت به منزل صحابی تردد می‌نمود. صحابی از تردهای بی موقع و بدون اذن سمره ناراحت شده و به رسول الله (ص) شکایت می‌کند. پیامبر اکرم (ص) ابتدا از سمره بن جندب می‌خواهد که برای هر دفعه ورود به منزل صحابی از وی یا اهل منزل اذن بگیرد؛ ولی سمره نمی‌پذیرد. پیامبر (ص) برای از بین بردن ریشه نزاع سمره را دعوت به معاوضه می‌نماید؛ لکن سمره قبول نمی‌کند و حتی حاضر نمی‌شود با صرف نظر کردن از یک درخت نخل دنیایی، با ضمانت پیامبر اکرم (ص) در بهشت صاحب نخل‌های فراوان شود. پیامبر نیز برای جلوگیری از ورود بدون اذن و اجازه به منزل انصاری به ایشان دستور کردند و از بین بردن درخت را می‌دهند. در تحلیل چرایی حکم پیامبر به قطع درخت، باید قطع درخت را مجازات تعزیری دانست. پیامبر در واقع برای ورود بدون اذن سمره بن جندب - که فعلی حرام بوده است - بنا به صلاحدید خود مجازات تعزیری (قطع درخت ماده نزاع) جعل نموده است.

اهمیت این حدیث در حمایت از حریم خصوصی منازل اشخاص با عنایت به حدیث نبوی «حرمة مال مسلم كحرمة دمه» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۵۷۰ و کلینی، ۱۴۰۸: ۳۶۰) بیشتر معلوم می‌شود. اگرچه اسلام برای اموال افراد احترام فوق‌العاده‌ای قائل است و ضمن حمایت از مالکیت خصوصی، به مسلمانان توصیه می‌کند از اموال خویش دفاع نمایند، لکن در جایی که مالک بخواهد با نقض حریم خصوصی اشخاص به اموال خود سرکشی نماید، با اقتدار از چنین عملی جلوگیری می‌کند.

از این روایت اینگونه استفاده می‌شود که در جایی که اشخاص به هر دلیلی در محیط منزل خصوصی سایر افراد دارای حقوقی هستند، در مرحله اجرای حق خود باید حقوق دیگران را نیز لحاظ نمایند و از جمله حقوق افراد، حق بر حریم خصوصی است. هرگونه سوء استفاده از حق در قالب نقض حریم خصوصی افراد ممنوع می‌باشد و با ناقض حریم خصوصی به شدت رفتار خواهد شد.

ب: مجازات نظاره‌گر به منزل غیر بدون اذن

در کتب روایی نیز می‌توان تحت عنوان «النظر الی دار الغیر بغیر اذنه» (مامقانی، ۱۳۸۲: ۵۰۶) وجود دارد که صراحتاً در خصوص نقض حریم خصوصی منازل اشخاص می‌باشد. از جمله این روایات می‌توان به روایت زیر اشاره نمود: «ان من اطلع فی بیت جاره فنظر الی عورة رجل و شعر امرأة أو شیء من جسدها کان حقاً علی الله ان یدخله النار مع المنافقین الذین یتبعون عورات النساء فی الدنیا و لایخرج من الدنیا حتی یفضحه الله و یدعی للناس عورته فی الآخرة» (مامقانی، ۱۳۴۴: ۵۰۷) «هرکس بر خانه همسایه خویش دسترسی داشته باشد و به آن نگاه کند و عورت مرد منزل و یا موی زنان اهل منزل و یا قسمت دیگری از بدن زنان اهل منزل را نظاره کند؛ بر خداست که وی را داخل جهنم در کنار منافقین نماید که در جستجوی نظاره بر بدن زنان دنیا بوده‌اند؛ و از دنیا نمی‌رود مگر اینکه خداوند وی را در میان مردم ضایع گرداند و در روز قیامت نیز زشتی‌های او را در بر مردمان آشکار می‌نماید.»

در این روایت کسانی که به دنبال نظاره بر بدن زنان هستند و آنانی که منزل غیر را بدون اذن صاحب ملک نگاه می‌کنند در ردیف منافقین آورده شده‌اند و وعده عذاب به ایشان داده شده است؛ و وعده عذاب در مورد امری دلالت بر تحریم آن دارد. در حقیقت شارع مقدس با تحریم نقض حریم خصوصی منازل، سعی نموده است به تحریک عامل درونی انسان‌ها جهت پیشگیری از نقض حریم خصوصی منازل همت گمارد.

در روایت دیگری حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید: «إذا اطلع رجل علی قوم یشرف علیهم أو ینظر من خلل شیء لهم؛ فرموه فأصابوه فقتلوه أو فقعوا عینه فلیس علیهم غرم» (کلینی، ۱۴۰۸: ۲۹۱) «هرگاه شخص بر گروهی اشرف و اطلاع پیدا کند و یا از سوراخی آن‌ها را نظاره نماید؛ پس چنانچه او را سنگ بزنند و کشته شود و یا چشم وی درآید، ضمانتی متوجه ایشان نیست.»

۴-۲-۳- روایات دال بر ممنوعیت استراق سمع

از جمله احادیثی که صراحتاً این امر را مذمت نموده است می‌توان به روایت امام صادق (علیه السلام) اشاره نمود: «ان المستمع حدیث قوم و هم له کارهون یعذب الله یوم القیامة و یصب فی اذنه الاتک» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱۰۸ و حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۹۷) «هرکس به کلام دیگران گوش دهد در حالی که ایشان به این فعل وی

رضایت ندارند، خداوند در روز قیامت وی را عذاب می‌کند و در گوش او سرب خواهد ریخت.»
استراق سمع و گوش دادن به سخنان دیگران امری مذموم و به دور از ادب انسانی است. اشخاصی که در گوشه‌ای به دور از دیگران و در محیطی تنها نشست‌اند و در حال گفتگو هستند و یا اینکه با وسایل ارتباطی نوین در حال مکالمه‌اند بالبداهه انتظار دارند کسی به مکالمات ایشان گوش ندهد و گفتگوها مخفی باقی بماند. در صورتی که ایشان گمان بر شنود داشته باشند ممکن است بسیاری مطالب را نگویند. در روایات شیعه استراق سمع مکالمات دیگران تقبیح گردیده است.

۴-۲-۴- روایات دال بر ممنوعیت افشاء سر

بی‌تردید هر فردی در زندگی خویش ناگفته‌هایی دارد که بخش پنهان زندگی او بشمار می‌رود و وی هرگز تمایلی به بیان آن‌ها ندارد. از این امور معمولاً به «سر» تعبیر می‌گردد. سر را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «چیزی که انسان پیش یا پس از آنکه به دیگری بگوید، خواستار پنهان کردنش باشد؛ و مواردی که بدون تصریح بر این خواسته قرآینی بر طلب کتمان دلالت نماید نیز مشمول این تعریف شناخته شده است.» (السر فی المهن الطبی، بی‌تا: ۲۰۷) بنابراین هر امر پوشیده و مخفی از دیگران که قانون یا درخواست صاحب آن یا اخلاق اجتماعی و حرفه‌ای افشای آنرا منع می‌نماید، سر به شمار می‌رود.

از این رو اطلاعاتی که به نوعی فردی تلقی می‌شوند مانند شماره حساب بانکی، اطلاعات راجع به اعضای خانواده، شغل قبلی و سایر اطلاعاتی که مختص شخص می‌باشند را باید جزء اسرار دانست. از سوی دیگر، خصوصیات و ویژگی‌های روحی فرد و همه‌ی آنچه که در محدوده‌ی زندگی خصوصی او قرار می‌گیرد مانند وضعیت منزل، گفتگوهای شخصی وی با دیگران و اسرار خانوادگی، شامل حریم خصوصی اطلاعاتی فرد می‌شوند. در روایات نیز به رازداری و عدم افشاء سر دیگران توصیه‌های فراوانی شده است. از جمله این روایات می‌توان به حدیث امام صادق (ع) اشاره کرد که فرمودند: «من روی علی مومن روایه یرید بها شینه و هدم مروته لیسقطه من اعین الناس، اخرج الله من ولايته الی ولايه الشيطان، فلا يقبله الشيطان» (کلینی، ۱۴۰۸: ۳۵۸) «هر کس سخنی راجع به شخص دیگری نقل کند و با این نقل قصد داشته باشد مروّت او را از بین ببرد و وی را از چشم مردمان بیندازد، خداوند او را از ولایت خود خارج نموده و داخل در ولایت شیطان می‌کند اما شیطان نیز او را قبول نمی‌کند.»

یا در روایت دیگری می‌فرمایند: «من اطلع علی مومن ذنب او سیئه فافشی ذلک علیه و لم یکتها کان کعاملها و علیه وزر ذلک الذی افشاء علیه» (نوری، ۱۴۰۸: ۴۱۱) «هر کس از مومنی گناهی سراغ داشته باشد و آنرا افشا نماید و مستور نکند..... گناهی هم اندازه گناه افشا نموده بر عهده وی است»

همانگونه که از این روایات بدست می‌آید، شارع مقدس از اسرار افراد بعنوان یکی از حقوق خصوصی آن‌ها حمایت نموده است.

۵- نتیجه

حریم خصوصی افراد، قلمرو و محدوده‌ای از اعمال، رفتارها، ویژگی‌ها و مختصات هر شخص است که برای عموم آشکار نبوده و در وهله نخست به فرد معینی اختصاص دارد و وی نیز تمایل به افشاء آن ندارد. اشخاص هیچگونه ورود و نظارت دیگران بر این فضا را بر نمی‌تابند و نسبت به ورود غیر واکنش نشان

می دهند. مصادیق این حق بنیادین به صراحت در آیات قرآن و روایات مورد حمایت بوده قرار گرفته است. با توجه به این اهتمام در به رسمیت شناختن این حق برای عموم افراد جامعه و خلاء قانونی حمایت از این حق بنیادین، لازم است قانون گذار اسلامی با مبنا قرار دادن معیار شخصی در شناسایی مصادیق این حق، به احصاء آن ها پرداخته و حمایت از حریم خصوصی اشخاص را جنبه‌ی قانونی بخشد.

منابع

قرآن کریم.

ابن فارس، ابوالحسین احمد بن زکریا (۱۴۰۴)؛ معجم مقایس اللغة، تحقیق و ضبط: عبدالسلام محمد بن هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)؛ لسان العرب، جلد اول، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم

احمدی میانجی، میرزا علی (۱۳۸۱)؛ اطلاعات و تحقیقات در اسلام، تهران، دادگستر.

انصاری، باقر (۱۳۸۶)؛ حقوق حریم خصوصی، تهران، نشر سمت.

بی نام (بی تا)؛ السر فی المهن الطبی، مجله البحوث الفقهیة المعاصر، ۲۰، ۹۵-۶۷.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)؛ غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الإسلامی، چاپ دوم.

ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۹۹ق)؛ تفسیر ثعالبی، جلد چهارم، قم.

حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۹ق)؛ تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، موسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول.

خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۴)؛ توضیح المسائل، جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی قم.

الخوری الشرتونی اللبانی، سعید (۱۸۸۹)؛ اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، بیروت، بی نا.

سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳)؛ مهذب الاحکام، جلد بیست و هشتم، قم، نشر دفتر آیه الله سبزواری.

طباطبایی محمدحسین (۱۴۱۷a)؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

الطبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن (۱۳۹۹)؛ مجمع البیان، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی.

طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶)؛ مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی.

فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۲)؛ القاموس المحیط، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فیومی أحمد بن محمد (۱۴۱۴)؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، موسسه دار الهجرة.

کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۸a)؛ الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.

گروه نویسندگان (۱۳۶۰)؛ ترجمه مجمع البیان، تهران، انتشارات فراهانی.

مامقانی، عبد الله بن محمد حسن (۱۳۴۴)؛ مناهج المتقین، نجف، چاپ سنگی.

- مامقانی، عبدالله محمد بن حسن (۱۳۸۲)؛ *مرآة الڪمال لمن رام درك المصالح الاعمال*، الجزء الثاني، قم، دليل ما. محقق، محمد باقر (۱۳۶۱)؛ *نمونه بینات در شان نزول آیات*، تهران، انتشارات اسلامی.
- مدنی کاشانی، رضا (۱۴۱۰)؛ *کتاب القصاص للفقهاء و الخواص*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۴)؛ *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی همدانی سید محمد باقر (۱۳۷۴)؛ *ترجمه المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸)؛ *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، موسسه آل البيت (علیهم السلام).
- واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱)؛ *اسباب نزول القرآن واحدی*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

33. Warren s, brandies l, The Right of privacy, aviliable at: <http://www.lawrence.edu/fast/boardmaw/privacy-barnd-warr2.htm>.